

مهم‌ترین عامل موفقیت

۹۷ درصد مردم جهان در زندگی خود هدف ندارند!

چگونه جزء ۳ درصد افراد برتر موفق و ثروتمند جهان باشیم
و سریع‌تر از آنچه تصور می‌کردیم، به خواسته‌هایمان برسیم؟

www.MovafaghYar.com

هدیه ویژه برای
اعضای موفق‌یار



موفق‌یار
آموزش موفقیت و ثروتمندی

فردین محمدی

مهم‌ترین عامل موفقیت

مقدمه

سلام. من فردین محمدی هستم، مدیر سایت و مجموعه موفق‌یار. اگر سایت موفق‌یار را نمی‌شناسید، توصیه می‌کنم حتماً به سایت www.MovafaghYar.com سری بزنید. ما به شما کمک خواهیم کرد تا در زندگی و کسب‌وکار خود به موفقیت‌های بزرگ برسید و ثروتمند شوید. آموزش‌های ما در زمینه موفقیت، ثروتمند شدن، کسب‌وکار، بازاریابی، مدیریت، روان‌شناسی و ... است که به صورت کاملاً حرفه‌ای و تخصصی و به شکل یک مجموعه کامل و بزرگ در ایران در اختیاران قرار می‌گیرد. برای خواندن مقالات من و دانلود فایل‌های آموزشی رایگان، لطفاً به سایت موفق‌یار مراجعه کنید. مطالبی که در این کتاب الکترونیکی با شما درمیان می‌گذارم، در واقع رازهای موفقیت افراد فوق‌العاده موفق و بسیار ثروتمند در طول تاریخ در تمام جهان است.

افراد بسیاری در سرتاسر جهان خواهان موفقیت هستند و عطش ثروتمند شدن دارند. اغلب مردم گمان می‌کنند که هرگز نمی‌توانند به ثروت و موفقیت‌های بزرگ دست پیدا کنند. خوشبختانه طی سال‌های اخیر، با تلاش دانشمندان و محققان و با پیدایش علم موفقیت و دانش ثروتمندی، اسرار موفقیت به مرور کشف گردید و مردم را شگفت‌زده کرد. امروزه کسب موفقیت و ثروتمند شدن دیگر یک راز نیست؛ اما باین وجود، بسیاری از افراد از آن بی‌خبرند و آن را فقط به شانس و اتفاق نسبت می‌دهند.

اگر همه‌ی اصول موفقیت و ثروتمندی را به‌خوبی بیاموزید، می‌توانید به موفقیت دلخواهتان و ثروت فراوان برسید و تمام محدودیت‌ها را از بین ببرید.

اگر به کسب موفقیت واقعی و ثروتمند شدن علاقمندید، لطفاً این کتاب الکترونیکی را با دقت و چندین بار بخوانید و مطالب آن را اجرا کنید.

البته یک پیشنهاد بهتر هم دارم که در صفحات آخر آمده است!

مهم‌ترین عامل موفقیت

چگونه جزء ۳ درصد افراد برتر موفق و ثروتمند جهان باشیم و سریع‌تر از آنچه تصور می‌کردیم، به خواسته‌هایمان برسیم؟

طبق تحقیقات و آمارهای موجود، فقط ۳ درصد از مردم جهان در زندگی خود دارای هدف هستند و ۹۷ درصد مردم کمره‌ی زمین هدف ندارند! آمار افراد هدف‌دار حتی در کشورهای بسیار پیشرفته تنها ۵ درصد است و در این کشورها هم ۹۵ درصد مردم بی‌هدف هستند.

افراد هدفمند و هدف‌دار در جهان، همان اقلیت قشر فوق موفق و بسیار ثروتمند هستند که هر روز به موفقیت و ثروتشان افزوده می‌شود و هیچ محدودیتی در رسیدن به خواسته‌هایشان ندارند.

برایان تریسی - یکی از بزرگ‌ترین اساتید موفقیت و یکی از ثروتمندترین افراد جهان که کار خود را از فروش صابون به صورت خانه به خانه و چمن‌زنی آغاز کرد - راز اصلی موفقیت خود را درک صحیح و کامل کلمه‌ی جادویی «هدف» می‌داند. او معتقد است فهمیدن هدف، در سال‌ها کار دشوار صرفه‌جویی می‌جوید و بر این باور است که هدف، موفقیت است و هر چیز دیگر در حاشیه قرار دارد.

همچنین آنتونی رابینز - بزرگ‌ترین سخنران انگیزشی در جهان و بسیار ثروتمند که زمانی در یک آپارتمان اجاره‌ای ۴۰ متری زندگی می‌کرد و در خانه حتی ظرف‌شویی نداشت و ظروف غذای خود را در سرویس بهداشتی خانه می‌شست - با تعیین هدف و انجام هدف‌گذاری بود که توانست به ثروت عظیم برسد و صاحب ویلای بزرگ و اتومبیل گران‌قیمت و همسر خوب و پول فراوان شود.

مارک مک‌کورمک در کتاب خود «چیزهایی که در دانشگاه اقتصاد هاروارد به شما نمی‌آموزند» درباره‌ی یک تحقیق صحبت می‌کند. در سال ۱۹۷۹ از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت بازرگانی سؤال شد: «آیا شما برای آینده‌ی خود هدف‌های مشخص و نوشته‌شده‌ای دارید و آیا برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ای را مشخص کرده‌اید؟» تنها ۳ درصد از فارغ‌التحصیلان هدف‌های خود را نوشته بودند. ۱۳ درصد از دانشجویان هدف‌هایی داشتند ولی هرگز آن‌ها را مکتوب نکرده بودند و ۸۴ درصد مابقی، هیچ هدف مشخصی نداشتند.

۱۰ سال بعد محققان مجدداً به سراغ همان افراد رفتند. آن‌ها دریافتند که آن ۱۳ درصد از دانشجویانی که هدف‌هایی داشتند ولی آن‌ها را ننوشتند بودند، به‌طور متوسط ۲ برابر درآمد بیشتری نسبت به ۸۴ درصد دانشجویانی داشتند که هیچ هدف مشخصی برای خود تعیین نکرده بودند! اما شگفت‌آورتر از همه این بود که ۳ درصد از دانشجویان که هدف‌های واضح و روشن و نوشته‌شده‌ای داشتند، به‌طور متوسط درآمدی ۱۰ برابر بیشتر از ۹۷ درصد باقیمانده‌ی دانشجویان داشتند!!!

حتماً پی به اهمیت داشتن هدف برده‌اید!

هدف



در حالت عادی که نور خورشید می‌تابد، نمی‌تواند کاغذی را بسوزاند. ما باید از یک ذره‌بین استفاده کنیم تا نور را در یک نقطه از کاغذ متمرکز کند و کاغذ بسوزد. بدون ذره‌بین نمی‌شود.

هدف در زندگی ما مثل یک ذره‌بین عمل می‌کند. هدف، همه‌ی نیروها، تلاش‌ها، امکانات و مقدرات ما را به یک سمت مشخص هدایت می‌کند. کسی که هدفی ندارد، همه‌ی امکانات و نیروهایش در جهت‌های مختلف پخش می‌شود و هرگز به نتیجه نمی‌رسد. هدف به انسان انگیزه می‌دهد، باعث حرکت می‌شود و از هدر رفتن انرژی او جلوگیری می‌کند.

طبق تحقیقات مختلف طی سالیان دراز، همه‌ی انسان‌های فوق‌العاده موفق و بسیار ثروتمند در دنیا کسانی بوده‌اند که در زندگی‌شان هدف داشته‌اند و اهدافشان را دنبال کرده‌اند و با فکر و تمرکز به اهداف و با تلاش و پشتکار به همه‌ی خواسته‌هایشان رسیده‌اند. انسان به جایی نمی‌رسد، مگر آن‌که هدف‌های عالی و بزرگ داشته باشد.

رسیدن به موفقیت و ثروت بدون داشتن هدف، غیرممکن است.

برای انسانی که در زندگی هیچ هدفی ندارد، هیچ عاملی کمک‌کننده و شتاب‌دهنده نیست. اگر انسان نداند که به چه سمتی می‌رود، هیچ‌کس و هیچ‌چیزی نمی‌تواند به او کمک کند، چون حتی خودش هم مقصدش را نمی‌داند.

وقتی شما سوار تاکسی می‌شوید، حتماً باید به راننده مقصدتان را اعلام کنید تا حرکت کند، وگرنه باید دور خودتان و دور شهر، بی‌جهت بچرخید!

زندگی کردن بدون داشتن هدف‌های واضح و روشن، مانند رانندگی کردن در مه غلیظ است. اهمیتی ندارد که ماشین شما چقدر پیشرفته و قوی باشد، مهم این است که مجبورید به آهستگی و با شک حرکت کنید و در هموارترین جاده‌ها پیشروی کمی دارید.



بی‌هدفی به حدی روی انسان تأثیر منفی می‌گذارد که حتی می‌تواند انسان را بکشد! اگر توجه کنید، امروزه آمار مرگ‌ومیر جوان‌ها بسیار بالا رفته و حتی بیشتر از افراد مسن و پیر شده است. درصد بالای مرگ‌ومیر جوانان به علت بی‌هدفی است. بی‌هدفی باعث می‌شود که انسان و مخصوصاً فرد جوان گمان کند که زندگی پوچ و بی‌معنا است و کاملاً ناامید شود. افراد موفق حتی با این که پیر می‌شوند، بسیار بانگیزه و شاد و امیدوار هستند و این به علت داشتن هدف است، زیرا آن‌ها از زندگی خود خواسته‌ای دارند و بی‌جهت نفس نمی‌کشند و می‌دانند که در آفرینش انسان، حکمت بزرگی است. کسی که جدول هدف دارد، در زندگی «کاشکی» ندارد، چون می‌داند که در هر موقعیتی باید چه کاری را انجام دهد. اگر ما در زندگی اهداف دقیق و دسته‌بندی‌شده داشته باشیم، در هر واقعه‌ای در زندگی مان می‌توانیم سریع و صحیح تصمیم‌گیری کنیم. ولی اگر هدف نداشته باشیم، یا معطل می‌کنیم و یا تصمیم غلط می‌گیریم.

تعداد افراد موفق و ثروتمندان در جهان

تعداد میلیاردرها و افراد بسیار موفق در جهان کم‌تر از ۵ درصد جمعیت زمین است؛ یعنی از هر ۱۰۰ نفر، حداکثر فقط ۵ نفر به ثروت‌های عظیم و زندگی رؤیایی می‌رسند! تعداد میلیاردرهای دلاری (تریلیونرهای تومانی) در کره زمین تا چندی قبل عددی کوچک‌تر از ۶۰۰ نفر بود! با رشد بی‌سابقه‌ی ثروتمندان در سال‌های اخیر و طبق آخرین اعلام نشریه فوربس در سال ۲۰۱۴ میلادی، این عدد اکنون ۱۶۴۵ نفر است.



طبق اصل پارتو، ۸۰ درصد از کل ثروت جان در اختیار تنها ۲۰ درصد مردم است و جالب‌تر این که تنها ۴ درصد از کل مردم جهان، حدود ۶۴ درصد از تمام ثروت جهان را در اختیار دارند! ۱۶۴۵ نفر ثروتمندترین افراد جهان (همان میلیاردرهای دلاری) جمعاً ۶۴۰۰ میلیارد دلار ثروت دارند! شگفت‌انگیز است که بیشتر این افراد میلیاردرهای خودساخته هستند و از هیچ به آنجا رسیده‌اند!

این آمارها را برای این اعلام کردم که به شما بگویم این موارد اتفاقی و شانسی نیست و علت‌های زیادی دارد. مهم‌ترین علت از نظر خود این افراد، داشتن «هدف» است. با داشتن اهداف بزرگ، می‌توان هر غیرممکنی را ممکن کرد و به آرزوهای بسیار بزرگ رسید.

می‌توان گفت که «هدف» مهم‌ترین رازی است که ۹۷ درصد مردم جهان از آن بی‌خبرند و به همین دلیل ناموفق و بی‌پول می‌مانند. رازی که با دانستن و استفاده از آن، شما هم می‌توانید به جمع افراد موفق و ثروتمند بپیوندید.

چرا ۹۷ درصد مردم جهان هدف ندارند

چرا تنها عده‌ی کمی از مردم هدف‌های واضح و دقیقی دارند و روزانه در مسیر رسیدن به آن‌ها حرکت می‌کنند؟ این یکی از عجیب‌ترین نکات زندگی است. به اعتقاد براین تریسی، مردم به چهار دلیل هدف‌گذاری نمی‌کنند و برای خود هیچ هدفی ندارند.

۱. فکر می‌کنند داشتن هدف مهم نیست

بیشتر افراد متوجه اهمیت داشتن هدف نیستند. چون ۹۷ درصد مردم هدف ندارند، پس در خانواده و در جامعه اغلب افراد هدف ندارند و اصلاً نمی‌دانند که هدف چیست و هرگز درباره‌ی اهداف صحبتی به میان نمی‌آید و برای آن ارزشی قائل نمی‌شوند. فرد بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود، بدون این‌که به اهمیت هدف پی ببرد و بداند که بیشتر از هر چیز دیگری بر زندگی‌اش تأثیر دارد.

به اطراف خود نگاه کنید. چه تعداد از دوستان یا اعضای خانواده‌ی شما اهداف مشخصی دارند و به آن‌ها متعهدند؟

۲. نمی‌دانند چگونه باید این کار را بکنند و راه آن را نمی‌دانند

بیشتر افراد نحوه‌ی هدف‌گذاری را بلد نیستند و نمی‌دانند چگونه باید اهدافشان را تنظیم کنند. بدتر از همه این‌که بیشتر مردم اهداف را با آرزوهایشان اشتباه می‌گیرند. چیزهایی مانند «موفقیت»، «پولدار شدن»، «سلامتی»، «خوشبختی»، «خوشحالی»، «شغل خوب»، «ادامه تحصیل» و

درحالی‌که هیچ‌کدام از این چیزها هدف نیستند و هرگز هم نمی‌توان به آن‌ها رسید، زیرا آرزوهای خام دست‌نیافتنی هستند. این موارد بین تمام انسان‌ها مشترک‌اند و همه این چیزها را دوست دارند. هدف کاملاً با آرزو تفاوت دارد. معمولاً افرادی که از خردسالی تا بزرگسالی هیچ مطلبی در مورد داشتن هدف نشنیده‌اند، قطعاً به اهمیت تعیین هدف و تأثیر آن بر زندگی و کارهای خود واقف نیستند.

۳. از شکست می‌ترسند

بسیاری از افراد از شکست ترس شدیدی دارند. معمولاً افرادی که یک یا دو بار شکست بزرگی (مثلاً در ازدواج یا شغل یا در معامله) خورده‌اند، به‌شدت از ادامه‌ی مسیر می‌ترسند و نمی‌خواهند که به کارهای بزرگی دست بزنند و تصمیم می‌گیرند که با مراقبت بیشتر، از شکست مجدد در آینده جلوگیری کنند. به‌این ترتیب بسیاری از مردم به‌صورت ناخودآگاه مرتکب

این اشتباه می‌شوند که به دلیل احتمال شکست، هیچ هدفی را برای خود در نظر نمی‌گیرند و سرانجام تمام عمر خود را با بی‌هدفی - که بدترین شکست است - به پایان می‌رسانند.

۴. از طرد شدن و رد شدن می‌ترسند

مردم از این می‌ترسند که اگر هدفی را معین کنند و سپس در رسیدن به آن موفق نشوند، مورد انتقاد واقع شده و یا به مسخره گرفته می‌شوند و در نهایت همه آن‌ها را طرد می‌کنند و دیگر آن‌ها را نمی‌پذیرند.

به نظر من در کشور خودمان مهم‌ترین علت این که مردم هدف ندارند، آن است که هدف‌گذاری بلد نیستند و آموزش ندیده‌اند. اصلاً نمی‌دانند که هدف چیست و باید چگونه باشد. من این را بارها و بارها و به‌وضوح در مردم و در کلاس‌های آموزشی که برگزار می‌کنم، دیده‌ام.

متأسفانه برای این که بتوانید هدف‌گذاری را یاد بگیرید، منابع بسیار کم و نامناسب است. شما با جستجوی فراوان و صرف وقت زیاد، به‌سختی می‌توانید فقط چند کتاب ساده در این زمینه بیابید که معمولاً کامل و کاربردی نیستند و به مشکل برمی‌خورید. حتی اساتید ما به این مسئله واقف نبوده و مهارت و تسلطی ندارند!

تنها با داشتن آرزوی چیزی در سر، هرگز به آن چیز نخواهید رسید. اگر به گذشته خود رجوع کنید، متوجه حقیقت می‌شوید! شما باید تکنیک هدف‌گذاری را کاملاً یاد بگیرید و در تمام زندگی خود از آن استفاده کنید و معجزه‌اش را بارها ببینید.

ویژگی بارز هدف

به محض این که هدف اعلام می‌شود، ذهن آماده و درگیر می‌شود برای انجام یک سری فعالیت.



تفاوت آرزو و هدف

آرزو

همان‌طور که قبلاً گفتیم، همه‌ی مردم آرزوهایی دارند که به هیچ‌کدام هم نمی‌رسند. مردم آرزو را با هدف اشتباه می‌گیرند. چیزهایی مثل «پولدار شدن»، «دوستی با خدا»، «نویسنده شدن»، «مشهور شدن»، «ادامه تحصیل»، «شغل خوب» و ... آرزو به‌هیچ‌وجه دست‌یافتنی نیست و هرگز نمی‌توان به آن رسید، زیرا ویژگی هدف را ندارد، یعنی ذهن انسان بلا تکلیف است. در آرزو هیچ‌چیزی دقیق نیست و بنابراین موفقیت حاصل نمی‌شود. ذهن ما نمی‌داند که دقیقاً باید چه کار کند؟



هدف

تعریف هدف: هدف، خواسته‌ای است بسیار دقیق و روشن که به محض اعلام و بارها بعد از اعلام، ذهن ما را درگیر می‌کند تا احتمال رسیدن ما به خواسته بیشتر و بیشتر شود.

ما باید از دل آرزوهایمان، اهدافمان را بیرون بکشیم و «آرزو» را به «هدف» تبدیل کنیم تا بتوانیم به آن برسیم. آرزو و هدف یکی نیستند. ما در هدف کاملاً مشخص می‌کنیم که دقیقاً چه می‌خواهیم و کی؟ همه‌ی شرایط را بررسی و تعیین می‌کنیم و همه‌ی جزئیات را به‌درستی ذکر می‌کنیم. باید در هدف به این سوالات پاسخ دقیق دهیم: «چه چیزی؟»، «کی؟»، «کجا؟»، «چگونه؟»، «چرا؟» و سوالات مشابه.



هرچقدر هدف دقیق‌تر و بیان خواسته با جزئیات بیشتر باشد، موفقیت و رسیدن به هدف بیشتر و سریع‌تر و راحت‌تر می‌شود. هدف‌هایتان را بسیار دقیق و روشن تعیین کنید.

هدف آن قدر دقیق و با بیان جزئیات مطرح می‌شود که ذهن ما را با همه‌ی هستی و کائنات همسو می‌کند و همه‌چیز را در خدمت ما می‌گیرد و در این صورت رسیدن به خواسته بسیار آسان است. در هدف، ذهن تکلیفش را به‌درستی می‌داند و بنابراین همه‌ی تلاش‌های ما در یک سمت مشخص، جهت‌دار و همسو می‌شود و همه‌ی امکانات ما معطوف به یک نقطه می‌گردد. هدف به تفکر و ذهن انسان شکل می‌دهد و آن را می‌پرورد و تلاش ذهنی و تلاش جسمی انسان را بسیار راحت می‌کند. بدون داشتن هدف هرگز نمی‌توانید به چیزی برسید.

نکته: هرچقدر هدف گنگ‌تر و مبهم‌تر باشد، رسیدن به آن بسیار سخت می‌شود. پس حتماً اهدافتان را با اعلام دقیق‌تر و جزئیات بیشتر بیان کنید.

چند نمونه از آرزوها و اهداف:

- **آرزو:** پولدار شدن - **هدف:** من ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان تا ۲ سال آینده با ۵ برابر کردن فروش خود در مغازه‌ام به‌دست می‌آورم.
- **آرزو:** صاحب‌خانه شدن - **هدف:** من صاحب خانه‌ای به مساحت ۱۸۰ مترمربع، ویلایی، سه‌خوابه، در کوچه ... در خیابان ... تا ۳۱ شهریور ۱۳۹۶ می‌شوم.
- **آرزو:** ادامه تحصیل - **هدف:** من مدرک کارشناسی‌ام را در رشته ... با معدل ... از دانشگاه ... در شهر ... در ۴ سال بعد می‌گیرم.
- **آرزو:** ورزشکار موفق - **هدف:** من در سال ۹۵ قهرمان کشتی آزاد تهران می‌شوم و مدال طلا می‌گیرم.
- **آرزو:** دوستی با خدا - **هدف:** من می‌خواهم هرروز نمازم را اول وقت بخوانم.

بیشتر مردم خواسته‌هایشان را نمی‌دانند، اما می‌دانند که چه نمی‌خواهند!

«نمی‌خوام بدبخت باشم، نمی‌خوام فقیر باشم، نمی‌خوام بدهکار باشم، نمی‌خوام مریض باشم، و ...»

این حالت بسیار وخیم است. ما وقتی می‌گوییم که چیزی را نمی‌خواهیم، ذهن ما دقیقاً روی آن موضوع (بدبختی، فقر،

مریضی و ... تمرکز می کند و متوجه نخواستن ما نیست و بنابراین آن چیز حتماً برای ما اتفاق خواهد افتاد و راه گریزی نیست! هرگز این اشتباه را نکنید. فقط هر چیزی که می خواهید، همان را بیان کنید. مثلاً، اگر بدهکار هستید، یک بار آن را کامل در ذهنتان ببینید و مبلغ را مشخص کنید. حالا فقط به این موضوع فکر کنید که چگونه می توانید آن مبلغ را به دست آورید و آن را به عنوان هدف برای خود انتخاب کنید. دیگر هرگز به آن بدهی فکر نکنید، بلکه فقط به راه به دست آوردن آن مبلغ فکر و تمرکز کنید و مطمئن باشید که به خوبی به نتیجه می رسید. فکر کردن به هر موضوعی ما را به آن نزدیک می کند. مهم ترین دستاورد همه ی مکاتب، متافیزیک، روان شناسی و علوم موفقیت، جمله ی زیر است:

«انسان به همان چیزی تبدیل می شود که بیشتر اوقات به آن فکر می کند.»

وقتی هدف دقیقی نداشته باشید، مثل آن است که به فروشگاهی بروید و بگویید که پنیر نمی خواهم، ماست نمی خواهم، برنج نمی خواهم و ... و در نهایت دست خالی برمی گردید!

نحوه انتخاب هدف های اصلی از بین سایر اهداف



ابتدا همه ی اهدافتان را در هر زمینه ای که می خواهید و بدون هیچ محدودیتی یادداشت کنید. اگر همه ی اهدافتان را بنویسید، احتمالاً لیست بلندی خواهد شد و نمی دانید از کجا باید شروع کنید. برای این که بتوانید هدف های اصلی خود را از بین سایر اهداف انتخاب و جدا کنید، باید ۳ مورد زیر را به ترتیب اولویت رعایت کنید. توجه نمایید که این اولویت بسیار مهم است و نباید ترتیبش را به هم بزنید.

۱. توجه به ضرورت و نیاز

اهداف شما باید ضروری و موردنیاز و مفید برای خودتان یا جامعه باشد تا فرد موفق شوید. بسیاری از خواسته‌های انسان‌ها غیرضروری و بی‌ارزش است. مثلاً اگر هدفتان این باشد که با بلند کردن موهای خود، اسمتان را در کتاب رکوردهای گینس ثبت کنید، فقط وقتتان را هدر می‌دهید. این کار آن قدر ارزش ندارد که چند سال از وقت باارزش خودتان را به آن اختصاص دهید و نمی‌تواند شما را به ثروت برساند. مثلاً اگر در یک شهری همه‌ی افراد پزشک باشند، آیا پزشک شدن در آنجا کاری مفید و ضروری است؟!

پس ابتدا اهداف ضروری و موردنیاز خود را از سایر اهداف جدا کنید. آنگاه متوجه می‌شوید که تعداد اهدافتان بسیار کاهش می‌یابد و معقول‌تر می‌شود.

۲. توجه به علاقه

حالا از بین اهداف ضروری خود که در مرحله‌ی قبل جدا کردید، اهدافی را که به آن‌ها بیشترین علاقه را دارید، جدا کنید. اگر به هدف علاقه نداشته باشید، انگیزه‌ای نخواهید داشت و به آن نخواهید رسید. تعداد اهدافتان بازهم کاهش می‌یابد.

۳. توجه به استعداد

حالا در آخرین قسمت، از بین اهداف باقیمانده، آن‌هایی را انتخاب کنید که درزمینه‌ی آن‌ها استعداد بیشتری دارید. بررسی کنید که در کدام هدف بیشترین استعداد را دارید. با این روش رسیدن به هدف بسیار آسان و سریع اتفاق می‌افتد. حالا تعداد اهدافتان به‌شدت معقول و مناسب شده است.



پس ابتدا همه‌ی اهدافتان را بنویسید، سپس با توجه به ۳ اصل بالا و با ترتیب اولویت، اهداف اصلی خود را از بین سایر اهداف جدا کنید.

ویژگی‌های هدف



۱. هدف باید باعث رشد و پیشرفت ما شود، نه باعث سقوط و نابودی ما

ما همیشه باید برای خود اهداف درست تعیین کنیم تا به موفقیت برسیم و پیشرفت کنیم.

نحوه تشخیص اهداف درست

برای این که بفهمید آیا یک هدف به نفع و به صلاح شما هست یا نه؛ باید به ۳ مورد زیر توجه کنید:



۱. تأیید خدا و عقل

هدف را باید با دستورات و گفته‌های خدا مطابقت دهید و با استفاده از عقل خودتان آن را بررسی کنید تا هدف درستی تعیین کنید. مثلاً تبدیل شدن به یک دزد بزرگ، هدف بسیار بدی است!

۲. مقذور بودن

باید هدفی که انتخاب می‌کنید، مقذور باشد. هدفی را انتخاب نکنید که با نظام هستی یا قوانین کشور یا شرایط موجود و ... مغایرت داشته باشد. باید قادر باشید به آن هدف برسید. مثلاً یک پیرمرد ۹۹ ساله نمی‌تواند قهرمان ژیمناستیک شدن در المپیک را برای خود هدف تعیین کند!

۳. اولویت

حتماً اول اهدافی را تعیین کنید که اولویت دارند. مثلاً اگر برای داشتن شغل موردنظرتان، احتیاج به مدرک کارشناسی ارشد دارید، نمی‌توانید هدف اول خود را رسیدن به آن شغل تعیین کنید و بعدازآن کارشناسی ارشد بگیرید!

۲. اهداف باید منطقی و به‌دوراز خیال‌پردازی و درعین‌حال بسیار بزرگ باشند



اهداف باید قابل دستیابی باشند و محتوای هدف و زمانی که برای رسیدن به آن تعیین می‌کنیم، کاملاً منطقی و عملی باشد. مثلاً نمی‌توان مدرک کارشناسی را در ۱ سال گرفت! یا نمی‌توان یک زبان خارجی را به‌طور کامل در ۲۰ روز یاد گرفت! **در عین منطقی بودن، اهداف باید بسیار بزرگ باشند.** مثلاً هدفتان این نباشد که فقط یک خانه‌ی کوچک داشته باشید! تعیین محدودیت برای انتخاب هدف، ممنوع است. «هیچ محدودیتی وجود ندارد، مگر آن که خودتان در **ذهنتان می‌سازید.**» شما می‌توانید به هر خواسته‌ی بسیار بزرگی برسید. شما حتی می‌توانید یکی از ثروتمندترین افراد جهان شوید. از فرهنگ لغات ذهنتان کلمه‌ی «غیرممکن» را برای همیشه پاک کنید. هر اختراع بزرگی مثل هواپیما، اتومبیل، موبایل، اینترنت، لاسر و ... که امروزه بسیار عادی هستند، زمانی کاملاً غیرممکن به نظر می‌آمدند، اما ابتدا ایده‌ی آن‌ها به ذهن مخترعان رسید و آن‌ها آن را باور کردند و نگفتند که این کار بزرگ و عجیب و غیرممکن است.

انسان‌های بزرگ و ارزشمند همیشه اهداف بزرگی داشته و دارند. ثروت شما به اندازه‌ی اهدافی است که دارید، نه پولتان! در تعیین اهداف جسور باشید. اگر بخواهید، حتی می‌توانید درآمدتان را ۲۰ برابر کنید، این غیرممکن نیست! این کار بارها توسط افراد مختلف انجام شده است. اگر باور کنید که نمی‌توانید، پس نخواهید توانست، زیرا خودتان در ذهنتان این محدودیت را ساخته‌اید. هدف باید شما را به مبارزه با مشکلات و ناامیدی و فقر وادار کند، وگرنه هدف مناسبی نخواهد بود و باعث پیشرفت شما نخواهد شد.

اگر هدف داشته باشید و برای رسیدن به آن و به‌اندازه‌ی آن تلاش کنید، هرچقدر هم که بزرگ باشد، می‌توانید به آن برسید. این را به شما قول می‌دهم؛ اما به خاطر داشته باشید که تلاش‌تان باید به‌اندازه‌ی اهدافتان باشد. مثلاً اگر می‌خواهید زبان انگلیسی را در مدت ۱ سال کاملاً فراگیرید و به آن مسلط شوید، هدف بزرگ و خوبی است، اما نمی‌توانید تنها با روزی ۵ دقیقه تلاش این کار را بکنید!

۳. اهداف باید کاملاً دقیق و دارای کمیت و کیفیت باشند

شما باید در گزینش اهدافتان به ۲ مورد دقت کنید:

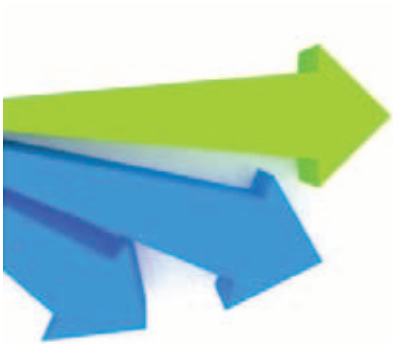
۱. دقت در بیان جزئیات هدف

۲. دقت در بیان زمان مطلوب دسترسی به هدف



هرچقدر جزئیات هدف بیشتر باشد، سریع‌تر و راحت‌تر به آن می‌رسید. تعیین زمان مناسب نیز بسیار مهم است. مثلاً اگر شما می‌خواهید که یک نقاش حرفه‌ای شوید و برای آن هیچ زمانی در نظر می‌گیرید، حتی بعد از گذشت ۱۰ سال هم شاید نتوانید نقاش شوید! زمان شما را وادار به تلاش می‌کند و باعث می‌شود که به هدف‌تان متعهد شوید و با برنامه‌ریزی پیش بروید.





خرد کردن اهداف

اهدافتان را باید به ۳ دسته تقسیم کنید:

۱. اهداف بلندمدت

۲. اهداف میان‌مدت

۳. اهداف کوتاه‌مدت

ذهن ما برای پذیرش چیزهای درازمدت تمایل زیادی ندارد. شما باید اهداف بسیار بزرگی داشته باشید و زمان زیادی را متناسب با آنها برایشان در نظر بگیرید، مثلاً ۵ یا ۷ یا ۱۰ سال. سپس این اهداف را به اهداف میان‌مدت تبدیل کنید، مثلاً ۱ یا ۲ سال. سپس دوباره این اهداف را به اهداف کوچک و کوتاه‌مدت تبدیل کنید که در بهترین حالت ۱ ماه است. (کم‌تر از ۱ ماه نباشد و بیشتر از ۱ سال هم نباشد).

برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف

حالا اهداف بسیار بزرگ شما به اهداف کوچک و ساده‌ای تبدیل شده‌اند که به راحتی می‌توانید به آنها برسید و هیچ ترسی ندارد. اکنون باید برای اهداف یک‌ماهه‌ی خود، متناسب با آن هدف، برنامه‌ریزی (برنامه‌ریزی هفتگی و روزانه) کنید و متعهد باشید که طبق برنامه عمل کنید. اهدافتان را در یک جدول بنویسید و تاریخ رسیدن به آن (مثلاً یک ماه بعد) را بالای آن یادداشت کنید. جدول اهدافتان را روی دیوار اتاق یا روی در کمد یا هرجایی که بیشترین مشاهده را در روز دارید، نصب کنید تا همیشه جلوی چشمتان باشد و هرروز چندین بار آن را ببینید. حالا اولین حرکت را آغاز کنید. با رسیدن به هر هدف در تاریخ جدول، هدف بعدی را جایگزین آن کنید و این کار را تکرار کنید و آن‌قدر ادامه دهید تا به هدف بزرگ و اصلی خود برسید.

مثلاً اگر می‌خواهید ۳۰ کیلو وزن کم کنید و این را برای ۱ سال تعیین کرده‌اید، می‌توانید هرماه فقط ۳ کیلو کم کنید و با برنامه‌ریزی برای خود، طبق رژیم غذایی و با ورزش، هرروز فقط ۱۰۰ گرم کم کنید و با این روش به سادگی می‌توانید به هدفتان برسید.



۷ توصیه بسیار مهم در رابطه با اهداف

۱. اهدافتان را حتماً مکتوب روی کاغذ بنویسید

نوشتن اهداف اولین گام مفید و مؤثر برای رسیدن به آنها است.



دلایل مکتوب کردن اهداف:

۱. با هر بار مشاهده‌ی هدف، یکبار آن هدف برایتان تکرار می‌شود و به‌مرور به ضمیر ناخودآگاهتان نفوذ می‌کند و شما به دستور مغزتان و به‌صورت ناخودآگاه همیشه به دنبال آن هدف هستید، بنابراین امکان دسترسی به آن هدف بسیار سریع و راحت می‌شود.
۲. با نوشتن هدف، آن هدف از ذهنتان خارج می‌شود و روی کاغذ نقش می‌بندد. حالا ذهنتان به دنبال اهداف و ایده‌های جدید می‌گردد که می‌تواند کمک بی‌نظیری به شما بکند.
۳. تا زمانی که هدف فقط در ذهن شما باشد، متوجه اشکالات و ابهاماتش نمی‌شوید، ولی با مکتوب کردن و با هر بار مرور آن، خطای آن را متوجه می‌شوید و برطرف می‌کنید، درست مثل نوشتن انشا. با هدف دقیق‌تر، رسیدن به آن سریع‌تر می‌شود.
۴. اگر هدف فقط در ذهنتان باشد، در بین ۵۰/۱۰۰۰ اندیشه‌ی مختلف که در طول شبانه‌روز از ذهنتان می‌گذرد، گم می‌شود و فراموشش می‌کنید.
۵. با هر بار دیدن زمان در جدول اهداف، متوجه کم شدن زمان می‌شوید و بنابراین تلاش و شتابتان را بیشتر می‌کنید تا به هدفتان برسید.

۲. برای رسیدن به اهدافتان حتماً پشتکار داشته باشید

همان طور که در رسیدن به موفقیت، داشتن هدف مهم ترین مورد است، در رسیدن به هدف هم داشتن پشتکار مهم ترین مورد است.

شما اگر اهداف عالی داشته باشید، بدون پشتکار کاملاً محال است که به هدفتان برسید. برای رسیدن به موفقیت‌های فوق‌العاده، عوامل و علت‌های زیادی وجود دارد. شاید بتوان برای برخی از عوامل جایگزینی پیدا کرد؛ اما برای پشتکار، هیچ جایگزینی وجود ندارد. اگر پشتکار نداشته باشید، به هیچ چیزی نخواهید رسید.



بزرگ‌ترین دانشمندان، مخترعان، ثروتمندان، ورزشکاران، هنرمندان و ... همگی فقط با پشتکار عالی به آن مرتبه‌ها رسیده‌اند، نه به خاطر هوش و استعداد و شانس و حامی و در راه رسیدن به اهدافتان باید همواره تلاش کنید، پشتکار عالی داشته باشید و به شدت عمل‌گرا باشید. ادیسون - بزرگ‌ترین مخترع تاریخ با ۱۰۹۳ اختراع - تنها برای اختراع لامپ بیش از ده هزار بار آزمایش و تلاش کرد.

اهداف کوچک برای انسان‌های کوچک است؛ اما اگر اهداف بسیار بزرگی دارید، در راه رسیدن به آن‌ها شاید هزاران بار شکست بخورید! تنها کسی پیروز و موفق خواهد شد که ایستادگی کند. دقیقاً به همین علت است که تعداد افراد بسیار موفق و ثروتمند، حتی کم‌تر از ۵ درصد جمعیت جهان است. حتماً تابه‌حال شرح‌حال نمونه‌های افراد با پشتکار فراوان در جهان را خوانده یا شنیده‌اید که به کجاها رسیده‌اند، مانند ادیسون، سرهنگ ساندرز، مایکل جردن، والت دیزنی و ناپلئون هیل می‌گوید: «پشتکار برای انسان به همان اندازه مهم است که آب برای ماهی.»

انسان بدون پشتکار واقعاً می‌میرد، شاید تنها یک مرده‌ی متحرک باشد! پس هرگز و هرگز تسلیم نشوید.

۳. در مسیر رسیدن به اهدافتان، از انجام اشتباه یا شکست هیچ ترسی نداشته باشید



در مسیر رسیدن به موفقیت، باید از شکست عبور کنید و این محال است که بدون شکست، به موفقیت بزرگی برسید. بهترین کار آن است که همان ابتدا همه‌ی ترس‌هایتان را رو روی کاغذ بنویسید و خودتان را آماده کنید که به استقبال همه‌ی آن‌ها بروید! تنها آدم‌هایی اشتباه نمی‌کنند که هیچ کاری نمی‌کنند. اگر بارها شکست خوردید یا اشتباه کردید، بهانه نیاورید و توجیه نکنید و اصلاً امیدتان را از دست ندهید، بلکه به آن موضوع فکر کنید و از

آن درسی بگیرید تا راه جدیدی پیدا کنید و دیگر مرتکب آن اشتباه نشوید و یک قدم به موفقیت نزدیک‌تر شوید. با هر بار زمین خوردن، از جایتان برخیزید و جدی‌تر از قبل به راهتان ادامه دهید. فقط به این شکل می‌توانید به هدفتان برسید. بدون ریسک‌پذیری نمی‌توانید به موفقیت‌های بزرگ برسید. یادتان باشد: «موفقیت یعنی ۹۹ درصد شکست!»
هنری فورد می‌گوید: «شکست، فرصتی است مناسب برای شروعی مجدد و بهتر از قبل.»



طبق تحقیقات دانشمندان و طبق گفته‌ی ناپلئون هیل در کتاب «بیندیشید و ثروتمند شوید»، موفق‌ترین انسان‌های دنیا، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موفقیت زندگی‌شان را بعد از بزرگ‌ترین و بدترین شکست عمرشان به دست آورده‌اند! پس

شکست بیشتر = موفقیت سریع‌تر

۴. به محض تعیین هدف، حرکت به سمت هدف را شروع کنید

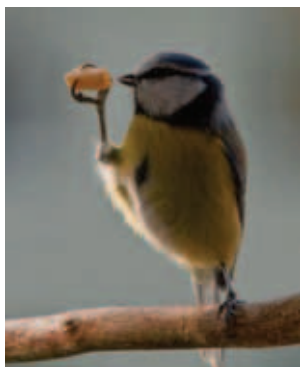
وقتی اهدافتان را مشخص کردید، دیگر معطل نکنید. منتظر فرصت مناسب نباشید. بهترین فرصت، همین حالا است. اولین قدم را بردارید، حتی اگر بسیار کوچک باشد. سخت‌ترین قسمت هر کاری، شروع آن است. بعد از اولین اقدام، متوجه خواهید شد که رفته‌رفته بسیار آسان‌تر خواهد شد!

«سفر هزار کیلومتری با اولین قدم آغاز می‌شود.»



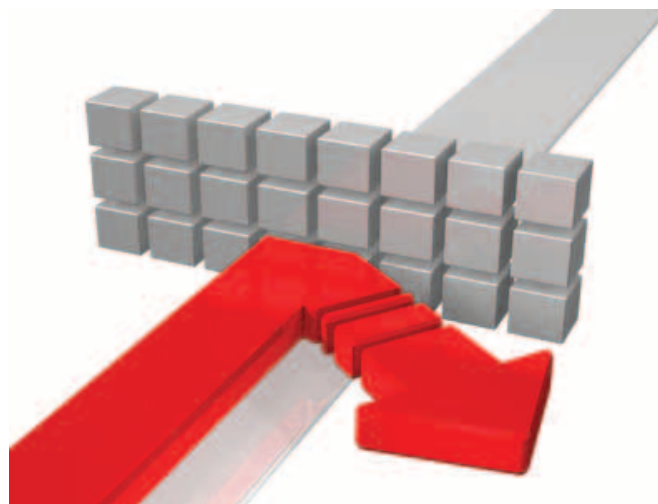
۵. انعطاف‌پذیر باشید

در صورت تشخیص ضرورت و احساس نیاز، می‌توانید هدفتان را عوض کنید. اگر هدفی که قبلاً انتخاب کرده بودید، اکنون دیگر مناسب این زمانه و شرایط نیست، یا اگر دیگر به آن هدف علاقه ندارید و دل‌زده شده‌اید، آن را عوض کنید. شما همیشه باید به‌روز باشید و خودتان را با تغییرات روز وفق دهید. فقط زمانی اهدافتان را عوض کنید که ضروری است و کاملاً مطمئن هستید.



۶. در ابتدای کار، همهی موانع و مسائلی که سرعت رسیدن شما را به هدف کند می‌کنند، شناسایی و مکتوب کنید

با این روش شما می‌توانید از همان ابتدا برای مسائل و شکاف‌های آینده، به دنبال راه‌چاره بگردید. اگر موانع موجود بر سر راهتان را شناسایی کنید، نمی‌توانید از آنها عبور کنید و ممکن است به‌سادگی از هدفتان صرف‌نظر کنید. با نوشتن موانع متوجه کم بودن و ساده بودن آنها می‌شوید و رسیدن به هدف در آینده بسیار آسان خواهد بود.

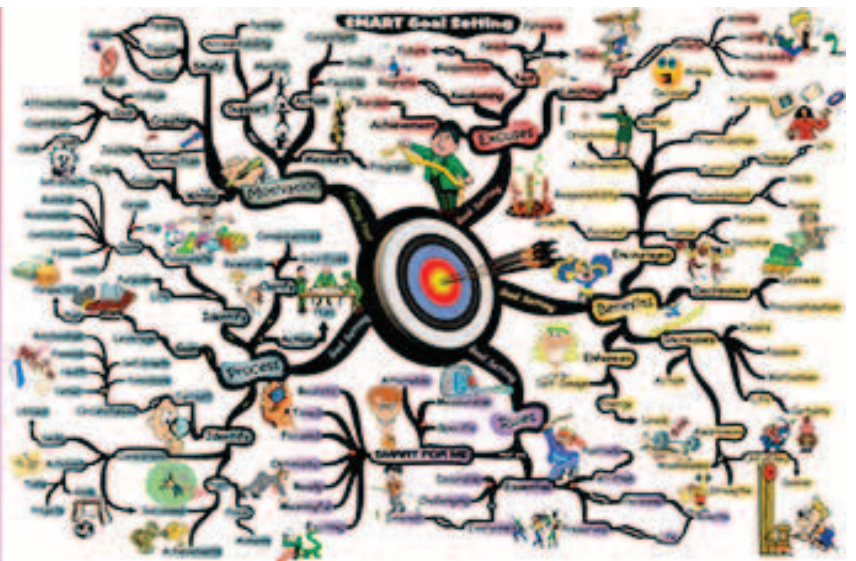


۷. حتماً راه‌های جایگزین داشته باشید



شما برای رسیدن به هدف‌تان برنامه‌ای برای خودتان در نظر گرفته‌اید. ممکن است این برنامه به هر دلیلی به بن‌بست بخورد و جواب‌گو نباشد و یا موانع پیش‌بینی‌نشده‌ای پیش آید. شما باید از همان ابتدا راه‌های جایگزین را پیدا کنید و بنویسید و آماده باشید. هیچ‌گاه نگذارید موانعی از سر راه برسد و شما را منصرف کند، بلکه خودتان طرح‌های آماده‌ای از قبل داشته باشید تا آسوده‌خاطر به سمت هدف حرکت کنید.

نکته: شما باید از نظر تفکر به مرتبه‌ای برسید که همیشه فقط اهداف‌تان در ذهنتان باشد و روی آن‌ها تمرکز کنید و به موضوعات دیگر و بی‌ارزش فکر نکنید. اگر اهداف‌تان مدام در ذهنتان باشد، بسیار سریع‌تر به آن‌ها خواهید رسید.



دو جمله طلایی

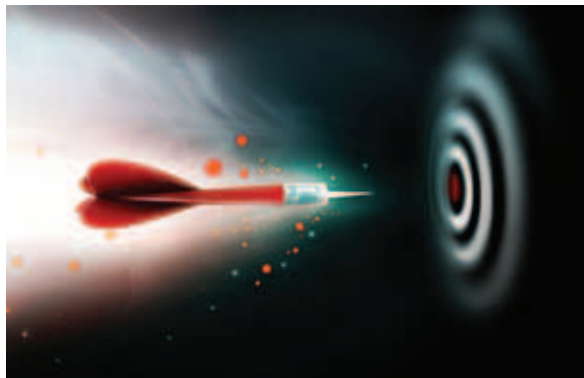
در راه رسیدن به هدفتان، همواره به مسیرتان ادامه دهید و هرگاه شکست خوردید، دو جمله‌ی طلایی زیر را همیشه حتماً به خاطر داشته باشید:

۱. انسان‌های موفق همیشه بیش از انسان‌های ناموفق شکست می‌خورند.

۲. انسان‌های موفق هیچ‌گاه تسلیم نمی‌شوند و کسانی که تسلیم شوند، هیچ‌گاه موفق نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

فرمول موفقیت در یک جمله:



هدف - برنامه - پشتکار
(در این مسیر: عمل - عمل - عمل)

سخن پایانی

به شما تبریک می‌گوییم. شما حالا از رازی خیر دارید که ۹۷ درصد مردم جهان از آن بی‌خبرند! پس به خودتان افتخار کنید. امیدوارم از این مطالب لذت کافی برده باشید و از آن به‌خوبی استفاده کنید و برایتان مفید باشد. به شما قول می‌دهم که با عمل به این مطالب و کاربرد این ایده‌ها، می‌توانید به موفقیت‌های خارق‌العاده و ثروت کلان برسید.